

Review of *Twelve Ancient Texts*

Mahmoud Jafari-Dehaghi*

Abstract

The book of *Twelve Ancient Texts* is the result of years of research and follow-up by Bijan Gheiby in ancient Iranian texts, especially Middle Persian texts. In each of the articles, the author first presents the sources and then deals with the Pahlavi text, transliteration, translation of the text, lexical notes, and explanation of the ambiguities of the text. This book includes a report on twelve short pahlavi texts such as *Wizārišn ī čatrang*, *mādayān ī yōšt ī Yošt ī Fryān*, *māh ī Farvardin...*, *ayādgār ī zarīrān*, *āmadan ī šāh Bahrām ī warjāwand*, *Sūr ī saxwan*, *xwēškārīh ī rīdagān*, *Rēdakān*, *Farroxnāmag*, *čim ī kostīg*, *āfrīn ī žardšt*. This book is very important because of its careful translation of texts and commentaries and the author's valuable notes. However, the above-mentioned authorship is not without significant shortcomings in terms of scientific principles and methods in correcting and translating ancient texts. These shortcomings have sometimes damaged the principle of authorship. What has seriously damaged the whole collection is the lack of critical correction of the Pahlavi texts; that is, comparing of the manuscripts, transliteration and transcription of the texts, and the mention of the differences in the manuscripts. Obviously, without such a method, reliable translations of the texts cannot be obtained.

Keywords: Middle Persian, Transcription, Transliteration, Etymology, Text Translation

* Professor of Culture and Ancient Iranian Languages, Department of Iranian Languages, University of Tehran, Iran, mdehaghi@ut.ac.ir

Date received: 2020-12-07, Date of acceptance: 2021-02-20

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد کتاب دوازده متن باستانی

محمود جعفری دهقی*

چکیده

کتاب دوازده متن باستانی حاصل سالها تحقیق و تتبع بیژن غیبی در متون ایرانی باستان بویژه متون فارسی میانه است. مؤلف در هر یک از مقالات نخست به ارائه منابع، و سپس به متن پهلوی، آوانویسی، ترجمه متن، یادداشت های لغت شناسی و توضیح ابهامات متن پرداخته است. این کتاب شامل گزارش شطرنج، داستان یوشت فریان، ماه فروردین روز خرداد، یادگار زیریران، آمدن شاه بهرام ورجاوند، سور سخن، خویشکاری ریدکان و اندرز به کودکان، فرخ نامه، تخمه شماری زرتشت، چیم درون، آفرین پیغامبر زرتشت است. این کتاب بواسطه دقت نظر در ترجمه متون و احتوا بر یادداشت های ارزشمند مؤلف حائز اهمیت بسیار است. با این حال، تالیف مذکور نظر به اصول و شیوه های علمی در کار تصحیح و ترجمه متون باستانی عاری از کاستیهای قابل توجه نیست. بطوری که این کاستی ها گاه به اصل تالیف آسیب رسانیده است. آنچه در همه مجموعه موجب آسیبی جدی شده عدم تصحیح انتقادی متون پهلوی یعنی مقابله دستنویس ها، حرف نویسی و آوانویسی متون و ذکر اختلاف نسخ است. بدیهی است که بدون چنین روشی نمی توان ترجمه قابل اعتمادی از متون به دست داد.

کلیدواژه‌ها: فارسی میانه، آوانویسی، حرف نویسی، ریشه شناسی، ترجمه متن

۱. مقدمه

متون فارسی میانه یکی از منابع گرانبار و ارزشمند مربوط به فرهنگ و تمدن ایران عزیز بویژه تاریخ تحول زبان ها و ادیان و باورهای ایرانیان است. بیشتر این متون در شمار آثار

* استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، عضو هیات علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران، mdehaghi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

دینی محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد که آثار ادبی و تاریخی منظوم و مثنوی مربوط به این دوره به علل گوناگون، از جمله فراموشی زبان فارسی میانه و تغییر خط پهلوی به خط عربی و نیز جایگزین شدن زبان فارسی دری به عنوان زبان رسمی در ایران از میان رفته‌اند. هرچند بخشی از آثار فارسی میانه به زبان عربی و فارسی ترجمه شده (تفضلی، ۱۳۷۶، ۱۱۳) و به مرور زمان دستخوش تغییر و دگرگونی شده‌اند با این حال ردپای ادبیات پهلوی را می‌توان در ترجمه‌هایی که از آنها صورت گرفته در میان آقار فارسی و عربی جستجو کرد.

آنچه از متون فارسی میانه باقی مانده غالباً تحت عنوان متون دینی دسته‌بندی شده اما از جهت تنوع موضوع حائز اهمیت بسیار است. در میان این متون مباحث اسطوره‌شناسی، دین‌شناسی، سبک‌های ادبی، شیوه نگارش و جهان‌بینی ایرانیان و جنبه‌های روانشناسانه مشاهده می‌شود. به همین سبب متون فارسی میانه از دیرباز مورد توجه دانشمندان متخصص در زمینه‌های گوناگون تاریخ، زبان، دین، مردم‌شناسی مورد بررسی و تصحیح و ترجمه واقع شده است. بنابراین، پیش از بیژن غیبی گردآورنده دوازده متن باستانی، هریک از مقالات مندرج در آن از سوی دانشمندان دیگر ایرانی و غیر ایرانی تصحیح و ترجمه شده است. به عنوان نمونه ترجمه‌هایی که از متن پهلوی گزارش شطرنج صورت گرفته می‌توان به تاراپوروالا (۱۹۳۲)، هانسن (۱۹۳۳)، برونر (۱۹۷۹)، آنتونیو پانایو (۲۰۱۷) اشاره کرد. این متن در ایران نیز از سوی محمدتقی بهار (۱۳۴۷) و سعید عریان (۱۳۸۲) به فارسی ترجمه شده است. به همین ترتیب، سایر متون مندرج در کتاب *دوازده متن باستانی* نیز از سوی پژوهشگران بررسی و تصحیح و ترجمه شده است.

۱.۱ معرفی

کتاب *دوازده متن باستانی شامل دوازده متن فارسی میانه (پهلوی)* همراه با آوانویسی، ترجمه و توضیحات آنها است. این اثر در ۳۷۵ صفحه به همت انتشارات دکتر محمود افشار و با همکاری نشر سخن در بهار سال ۱۳۹۶ با تیراژ ۷۷۰ نسخه به چاپ رسیده است. کتاب *دوازده متن باستانی شامل گزارش شطرنج، داستان یوشت فریان*، ماه فروردین روز خرداد، یادگار زریران، آمدن شاه بهرام ورجاوند، سور سخن، خویشکاری ریدکان و اندرز به کودکان، فرخ‌نامه، تخمه شماری زرتشت، چیم درون، آفرین پیغامبر زرتشت است. هریک از مقالات به گونه‌ای مستقل‌اند و ارتباط ساختاری و محتوایی با یکدیگر

ندارند. غیبی این مقالات را بیشتر در طول سال های ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۲ میلادی تدوین نموده و منتشر ساخته بود (نک. یادداشت فارسی بدون عنوان و بدون صفحه اوایل کتاب و یادداشت بدون عنوان و شماره صفحه آلمانی پایان کتاب!!). دوازده متن باستانی حاصل سالها تحقیق و تتبع بیژن غیبی در متون ایرانی باستان بویژه متون فارسی میانه است. مؤلف در هر یک از مقالات نخست به ارائه منابع، و سپس به متن پهلوی، آوانویسی، ترجمه متن، یادداشت های لغت شناسی و توضیح ابهامات متن پرداخته است. اگرچه این نظم در همه مقالات رعایت نشده که به این موضوع بعدا خواهم پرداخت. غیبی افزون بر دوازده متن یاد شده، پیش از این مقالاتی را بیشتر در زمینه فرهنگ و زبانهای باستانی تالیف یا ترجمه کرده که برخی از مقالات تالیفی عبارتند از: برگزیده ها (سرود مروارید) در ایران شناسی سال ۱۳۷۶؛ هر دم از این باغ ... ایران شناسی، ۱۳۷۹؛ یادی از آندریاس و یکی از نوشته های او، مجله پاژ، شماره ۴ زمستان ۱۳۸۷. مقالات ترجمه شده توسط ایشان نیز عبارتند از هنر تصویرگری در کتابهای چاپ سنگی زمان قاجار، تالیف اولریش مارزلف، مجله فرهنگ مردم، شماره ۶ و ۷، سال ۱۳۸۲؛ برگزیده ها: ضحاک (گفتاری در اساطیر و شمایل سازی ایران)، تالیف فرانتس تشنر، ایران شناسی، شماره ۴، سال ۱۳۷۴.

Gheiby, Bijan, *Ardā Wīrāz Nāmāg: Some Critical Remarks in: Name-ye Irān-e Bāstān*, Vol. 1, No. 1

همچنین کتابی با مشخصات زیر از ایشان به چاپ رسیده است:

Gheiby, Bijan, *Persien oder Iran? Die Deutschen entdecken das Land Zarathustras*, Philipp von Zabern, 2012.

علت انتخاب کتاب دوازده متن باستانی برای نقد و بررسی به خاطر اهمیت متون پهلوی و نقش آن در بازشناسی زبانها و گویش های ایرانی است. این دوازده متن پیش از این به طور مستقل بارها از سوی مؤلفان ایرانی و غیر ایرانی تصحیح و ترجمه و چاپ شده است. متن نخست با عنوان گزارش شطرنج شامل ۳۸ بند، داستانی است که در زمان خسرو انوشیروان (۵۳۱ تا ۵۷۹ م.) رخ داده و بنابر گزارش این متن پهلوی پادشاه هندوان برای آزمودن دانایی ایرانیان شطرنجی را همراه با هدایای گرانبها به وسیله یکی از دانشمندان خود به دربار ایران گسیل می کند و اعلام می کند که اگر ایرانیان نتوانند مفهوم این بازی را دریابند باید به آنها خراج بپردازند. پس از سه روز بزرگمهر بختگان راز این بازی را درمی یابد و ضمن توضیح نقش هر یک از مهره ها اظهار می دارد که این بازی نماد کارزار است.

سپس خود نرد را که نماد جهان بر اساس جهان بینی ایرانیان است اختراع می‌کند و خود برای پادشاه هند می‌برد و از آنها می‌خواهد که راز این بازی را کشف کنند. اما هیچیک از خردمندان هند موفق به این کار نمی‌شوند (نک. گزارش شطرنج، ص ۲۱). این متن نخست در سال ۱۸۸۵ توسط سنجانا منشر شد. سپس در سال ۱۸۸۹ ایرانی، در ۱۹۳۲ تاراپور، در ۱۹۵۱ پالیارو، در ۱۹۶۴ نیبرگ و در ۱۹۹۱ این متن را ترجمه و چاپ کردند. در ایران نخست ملک اشعراى بهار در سال ۱۳۴۷ و سپس عریان در ۱۳۷۱ این متن را ترجمه و منتشر کردند.

متون دوم داستان یوشت فریان نمونه‌ای از جیستان‌های ایرانی است و شامل ۹۲ پرسشی است که اخت جادو از یوشت فریان می‌کند. یوشت یکی از جوانترین افراد خاندان فریان از پارسایان زردشتی بوده و برای پاسخ به این پرسشها از هرمزد یاری می‌جوید و به همه پرسشها پاسخ می‌دهد. اما اخت جادو که از اهریمن کمک می‌خواهد در برابر سه پرسش یوشت فریان درمی‌ماند و شکست می‌خورد. این رساله همچنین نمونه ارزشمندی از فن مناظره است که به باور من ایرانیان در شکل‌گیری آن نقش بسیار داشته‌اند. کهن‌ترین شاهد این مدعا مناظره و همپرسگی‌های زردشت با اهورامزدا است که در سراسر اوستا مندرج است. (نک. داستان یوشت فریان، ص ۴۳).

متن سوم با عنوان ماه فروردین روز خرداد رساله کوچکی است که حوادث مربوط به روز خرداد از ماه فروردین را شرح می‌دهد. بخشی از این رساله مربوط به حوادث پیش از تدوین آن است (احتمالاً پیش از خسرو پرویز) مانند آفرینش گیتی، گیومرث، مشی و مشیانه، هوشنگ، تهمورث، جمشید، فریدون، سام نریمان، کیخسرو، افراسیاب، آرش، لهراسب، زردشت و گشتاسب، و خسرو پرویز. بخش دوم مربوط به وقایعی است که در همین روز در آینده رخ خواهد داد. مانند آمدن شاه بهرام ورجاوند، پشتون پسر گشتاسب، اوشیدر و اوشیدرماه، سوشیانس، پادشاهی مجدد کیخسرو و سپس گشتاسب در پایان جهان، رستاخیز و شکست نهایی اهریمن (نک. ماه فروردین روز خرداد، ص ۹۵). این متن را افزون بر جاماسب آسانا، مارکوارت و بهار که غیبی در فهرست منابع خود آورده‌اند در سال ۱۳۳۵ و عریان در ۱۳۷۱ نیز ترجمه کرده‌اند که در پژوهش غیبی به آنها اشاره‌ای نشده است.

متن چهارم با عنوان یادگار زیران یکی از کهن‌ترین نمونه‌های داستان‌های حماسی ایران است. بنابر این داستان گشتاسب، شاه ایران دین تازه‌مزدیسنی را پذیرفته و بدین سبب

نامه ای از ارجاسب شاه هیونان دریافت می کند مبنی بر اینکه یا دین تازه را رها کند و یا آماده نبرد باشد. زریر، سپهسالار ایران و برادر گشتاسب پاسخ می دهد که گشتاسب دین تازه را رها نمی کند. بنابر پیشگویی جاماسب و به دنبال آن در جنگی که درمی گیرد بیست و سه تن از برادران و پسران گشتاسب، از جمله زریر و پادخسرو، برادران او و فرشاورد پسر او کشته می شوند. در ادامه، بستور فرزند خردسال زریر به منظور انتقام خون پدر به میدان می رود. سوگواری او بر سر بالین پدر یکی از شاعرانه ترین نمونه ها از این دست است. سرانجام، این نبرد با دلاوری های اسفندیار، پسر گشتاسب و بستور و دیگر پهلوانان ایرانی به پیروزی گشتاسب و شکست جاماسب به فرجام می رسد. متن یادگار زریران یکی از آثار مکتوب بازمانده از عهد اشکانی است و در اصل به زبان پارسی بوده است اما بعدها به زبان پهلوی ساسانی ترجمه شده با این حال نمونه های لغات پارسی را می توان از خلال این متن دریافت. این متن به وسیله بسیاری از پژوهشگران مانند گایگر، جاماسب آسانا، پالیارو، منشی زاده، بهار، نولدکه، و نیبرگ تصحیح و ترجمه شده است. یکی از ترجمه های بسیار عالمانه از این اثر به وسیله یحیی ماهیار نوابی صورت گرفته که در پژوهش غیبی به آن اشاره ای نشده است.

متن پنجم متن کوتاهی است با عنوان آمدن شاه بهرام ورجاوند. این متن شاعرانه کوتاه شامل چهارده بیت است و از نمونه های شعر پهلوی است و در زمره متون آخرالزمانی به شمار می رود. در بخشی از این متن موضوع حمله اعراب و ایجاد فشار های سیاسی و اقتصادی نظیر وضع جزیه و ویرانی آتشکده ها اشاره می کند و در پایان آمدن بهرام ورجاوند را نوید می دهد که در پایان جهان خواهد آمد و از تازیان انتقام خواهد گرفت (نک. آمدن شاه بهرام ورجاوند، ص ۱۹۸). این متن به وسیله جاماسب آسانا، انکلسلریا، بهار، هدایت، بیلی، تاوادیا، و دوبلوا تصحیح و ترجمه شده است.

متن پنجم رساله کوتاهی با عنوان سور سخن است. این متن نمونه ای از دعای سپاسگزاری از میزبان بر سر سفره غذا است. در این دعا از اورمزد و امشاسپندان و ایزدان گوناگون و نیز بزرگان مملکت و حتی سپهبدان چهارگانه کشور، رئیس داوران کشور، و طبقات چهارگانه اجتماعی، آتش ها، خوانسالاران، و خنیاگران یاد می شود. در پایان دعا از میزبان سپاسگزاری به عمل می آید (نک. سور سخن، ص ۲۲۱). این متن از جمله به وسیله جاماسب آسانا و تاوادیا تصحیح و ترجمه شده است.

متن ششم و هفتم رساله ای است به پازند با عنوان خویشکاری ریدکان و اندرز به کودکان. محتوای این دو متن کوتاه بیشتر آداب زندگی کودکان در خانه، مدرسه و اجتماع است. نویسنده وظایف کودکان را در مدرسه برمی شمارد و به شرح آداب تطهیر بامدادی، آداب سفره، رعایت احترام مردم، انجام وظایف در منزل، احترام به پدر و مادر و آداب غذا خوردن می پردازد (نک. خویشکاری ریدکان و اندرز به کودکان، ص ۲۴۶). این متن به وسیله دارمستتر، یونکر، و فریمان تصحیح و ترجمه شده است. آنتیا نیز این مان را در مجموعه متون پازند منتشر کرده است. غیبی به ترجمه خوب مزداپور در سال ۱۳۶۸ از این متن اشاره ای نمی کند.

متن هشتم اندرزنامه ای است با عنوان فرخ نامه. این متن که نخستین بار در سال ۱۹۱۸ میلادی توسط آذرباد دستور نوشیروان همراه با مقدمه و آوانویسی و ترجمه انگلیسی در یادنامه دستور هوشنگ منتشر شده منبع و ماخذ معینی ندارد. عنوان آن به پازند است و احتمال داده اند که در دوره ای متاخر از روی متنی فارسی به پهلوی ترجمه شده باشد. موضوع این رساله کوتاه اندرزهایی است که یونان، دستور انوشیروان طی نامه ای به او فرستاده است (نک. فرخ نامه، ص ۲۶۱).

متن نهم تخمه شماری زرتشت نام دارد که مؤلف از یکی از پیوست های بندهش جدا کرده و به آوانویسی و ترجمه آن پرداخته است. تخمه شماری یا شجره نامه زرتشت در هر سه نسخه های معروف بندهش با عنوان TD1 و TD2 و DH آمده است. افزون بر این، از شجره نامه زرتشت در آثار دیگر فارسی میانه نظیر دینکرد هفتم، گزیده های زادسپرم، و جرکرد دینیگ، و متن فارسی روایات داراب هرمزدیار نیز یاد شده است. غیبی در ادامه متن پهلوی پازند این متن را نیز به نقل از آنتیا آورده و فهرست نیاکان زرتشت را نیز ارائه نموده است. این فصل با ارائه نمونه ای از متن فارسی داراب هرمزدیار از شجره نامه زرتشت پایان یافته است (تخمه شماری زرتشت، ص ۲۷۷). مؤلف در تصحیح و ترجمه این بخش از متن بندهش فردیناند یوستی سود برده است اما از آثار متعددی نظیر ترجمه مهرداد بهار که از این اثر به عمل آمده در فهرست منابع او یاد نشده.

متن دهم این مجموعه چیم کشتی است. این متن در پژوهش های دیگر محققان با عنوان پس دانش کامگ (= پسر آرزومند دانش) نامیده شده است. اصل پهلوی این متن از میان رفته و طهمورث دینشاه انکلساریا با استادی آن را از روی متن پازند به پهلوی درآورده و همراه با مینوی خرد در سال ۱۹۱۳ م. ترجمه و منتشر کرده است. موضوع این

اثر پرسش‌هایی است که پسری درباره علت بستن کستی (= کمر بند دینی زردشتیان) از پدرش می‌پرسد و پاسخ‌هایی که پدرش همراه با نکاتی درباره اصل ثنویت، و تقسیم نمادین پیکر آدمی به دو بخش بالایی بدن که اهورایی است و بخش زیرین بدن که اهریمنی به شمار می‌رود. این تقسیم بندی به منزله تشبیه انسان یا جهان کودک (= اصغر) به جهان بزرگ (اکبر) است. کمر بند یا کستی مزکور فاصله دو جهان انسان است (چیم کشتی، ۲۹۵).

متن یازدهم چیم درون نام دارد. این متن کوچک پهلوی را نخستین بار ادوارد وست معرفی کرده است. محتوای این اثر همانطور که از عنوان آن برمی‌آید در باره چیستی و علت پیدایی درون و شیوه یستن آن است. به همین ترتیب. درون نان مقدسی است که در مراسم دینی از آن استفاده می‌کنند. روی این نان همانند گیتی است. کناره پیرامونش چون البرز که دور زمین است. افزوده‌های وسط درون به معنی رویش مردمانو چهارپایان و گیاهان است. مینوی درون شبانگاه که دیوان به جهان می‌تازند آنها را تار و مار می‌کند. متن چیم درون همچنین در کتاب روایت پهلوی نیز آمده است (نک. چیم درون، ص ۳۳۶).

متن دوازدهم آفرین پیغامبر زردشت است. آفرین به معنای دعا است و این متن کوتاهی است که در آن از زبان زردشت به گشتاسب پادشاه کیانی و نخستین کسی که دین او را پذیرفت و از او حمایت کرد، دعا شده و در ضمن آن به ویژگی‌های اخلاقی و صفات شاهان و پهلوانان ایران باستان نیز اشاره شده است (نک. آفرین پیغامبر زرتشت، ص ۳۶۲).

کتاب دوازده متن پهلوی از لحاظ کیفیت چاپ از وضعیت بسیار خوبی برخوردار است. این حسن بویژه در مجموعه کتابهای منتشره از سوی موقوفات افشار مدیون مدیریت جوان و مبتکر آن محمد افشین وفایی است. طرح روی جلد خوب، حروف چاپی مناسب، صفحه‌آرایی چشم‌نواز، صحافی و قطع نیم‌رحلی خوب نشان‌دهنده مدیریت موفق نشر مذکور است. اگر چه چینش و ترتیب مطالب کتاب خالی از اشکال نیست. با وجود اینکه تالیف این مجموعه به گفته مؤلف در سال ۱۳۸۴ پایان یافته (نک. مقدمه بدون عنوان و صفحه)، و حدود ده سال در انتظار چاپ بوده اما مؤلف تلاشی برای تنظیم صفحات و ترتیب مطالب ننموده و ناشر نیز در این باره اقدامی نکرده است.

۲. نقد محتوایی اثر

اشکالات ساختاری و محتوایی این بخش را می‌توان به شرح زیر طبقه بندی کرد:

الف. انسجام و نظم و ترتیب منطقی در ارائه مطالب: کتاب دوازده متن باستانی بواسطه دقت نظر در ترجمه متون و احتوا بر یادداشت‌های ارزشمند مؤلف حائز اهمیت بسیار است. با این حال، تالیف مذکور نظر به اصول و شیوه‌های علمی در کار تصحیح و ترجمه متون باستانی عاری از کاستی‌های قابل توجه نیست. بطوری که این کاستی‌ها گاه به اصل تالیف آسیب رسانیده است. آنچه در همه مجموعه موجب آسیبی جدی شده عدم تصحیح انتقادی متون پهلوی یعنی مقابله دستنویس‌ها، حرف نویسی و آوانویسی متون و ذکر اختلاف نسخ است. بدیهی است که بدون چنین روشی نمی‌توان ترجمه قابل اعتمادی از متون به دست داد.

مقاله نخست با مقدمه‌ای از مبارکشاه در کتاب آداب الحرب و الشجاعة آغاز می‌شود و سپس در گزارشی ۱۸ صفحه‌ای به مطالبی درباره شطرنج (؟) می‌پردازد. مطالب این بخش که از آثار تاریخی و ادبی گرانقدری نظیر نهاییه الارب فی تاریخ الفرس و العرب، اخبار الطوال دینوری، مجمل التواریخ و القصص، تاریخ طبرستان ابن اسفندیار و... استفاده کرده متأسفانه بدون هیچ نظم منطقی در کنار هم قرار گرفته است. حتی عنوان مقدمه نشان نمی‌دهد که هدف مؤلف از نگارش این بخش چیست! نقل قول‌های طولانی از آثار یاد شده این مقدمه را به کشکولی تبدیل کرده که در آن از هر اثری مطلبی فراهم آمده است.

نویسنده پس از مقدمه‌ای به میزان ۱۸ صفحه مجدداً به ارائه یادداشت‌ها در صفحه ۲۷ می‌پردازد. با وجود این مجدداً در صفحه ۳۱ گزارش دیگری را با عنوان "در پیرامون گزارش شطرنج" نقل می‌کند. بنابراین، در این مقاله از آنچه که باید ذکر می‌کرد (مانند متن پهلوی و تصحیح انتقادی آن و نیز واژه‌نامه و نمایه و دیگر بخش‌هایی که ممکن بود سبب شود بتوان بهتر از آن بهره‌مند شد) خبری نیست و در عوض چندین ده صفحه از مطالبی یاد شده که اگرچه ممکن است مفید باشند اما از اولویت کافی و نظم منطقی برخوردار نیستند.

در صفحه ۳۳ و ۳۴ مقاله ناگهان با صفحه‌ای به زبان آلمانی با عنوان منابع روبرو می‌شویم. این خود از شگفتی‌های چاپ کتاب در سرزمین ماست. سرانجام آوانویسی متن پهلوی در صفحه ۳۵ یعنی از آخر و از چپ به راست (!) ظاهر می‌شود. بدین ترتیب، باید متن را از صفحه ۳۸ شروع کنیم و به عقب برگردیم.

نکته اینکه همین ناهماهنگیها در بخش دوم یعنی داستان یوشت فریان نیز دیده می شود. در اینجا منابع این متن به جای آخرین صفحه در نخستین صفحه (صفحه پایین کتاب ۱ و بالای کتاب ۴۱) آمده است. سپس در صفحه بعد بدون هیچ توضیحی برگگی از متن اصلی پهلوی درج شده است که در جهت تصحیح به خواننده متن هیچ کمکی نمی کند. مؤلف سپس به ترجمه فارسی متن داستان یوشت فریان پرداخته است. از محاسن این بخش ترجمه روان و خوب آن است. توضیحات زیرنویس متن گاه بسیار سودمند و گاه ملال آور و غیر ضروری است. به عنوان نمونه بنگرید به زیر نویس ۱۶ از صفحه ۴۳ بالا، جایی که مؤلف خواننده را به مبلمان دربار اخت جادو متوجه می سازد!! و شاهدهی که از خسرونامه نقل شده است. نیز بنگرید به توضیح مفصل شماره ۱ زیر نویس صفحه ۴۴ بالا. با این همه مؤلف باز به آن همه زیرنویس های مفصل اکتفا نمی کند و در بخشی با عنوان یادداشتها به شرح نکاتی می پردازد که توضیح آنها رابطه منطقی با اثر ندارد. برای نمونه بنگرید به شرح آسمان و زمین در صفحه ۵۸ و نیز توضیح طولانی صفحات ۶۰ و ۶۱ در باره مغ. به همین ترتیب بحث درباره شماره های قراردادی در صفحه ۶۲ و نتیجه گیری از آن نیز خالی از استدلال منطقی است. در ادامه این بخش مؤلف به بخشی درباره تاریخچه چیستان گویی در ایران می پردازد (صفحه ۶۸) که اگرچه خود مقاله بسیار سودمندی است اما آوردن آن در تصحیح و ترجمه متون باستانی چندان مرسوم نیست. بویژه آن که اظهارات استاد غیبی در آغاز مقاله تاریخچه چیستانگویی و مطالبی که ایشان از یسن ۴۴ و از قول شولتز به عنوان چیستان مطرح کرده صرفا پرسش و پاسخ معمولی است نه چیستان. آوانویسی متن پهلوی در صفحه ۹۰ آغاز می شود که برای خواندن آن باید کتاب را از چپ به راست ورق بزنیم. بطوری که ادامه آوانویسی در صفحه ۸۹ و ۸۸ تا ۸۴ آمده است! لازم به یادآوری است که شیوه مرسوم در تصحیح و ترجمه متون پهلوی که آوانویسی آن به حروف لاتین است بدینگونه است که هر بند از آوانویسی را از چپ به راست درج می کنند ترجمه فارسی آن را زیر همان بند می آورند.

در متن سوم با وجود آوانویسی و ترجمه نسبتا خوب، ناهماهنگی ها مانند دو متن قبلی همچنان ادامه دارد. به طور مثال منابع در فصل نخست در پایان آن آمده در حالی که در متن دوم و سوم در آغاز مطرح شده است. همین ناهماهنگی تا پایان متن ها ادامه دارد. نکته دیگر اینکه از صفحه ۱۰۲ تا ۱۲۲ یادداشت های مربوط به این متن آمده است. حجم مفصل این یادداشت از لحاظ ارتباط با متن چندان قابل دفاع نیست. اگرچه موضوع

یادداشت‌ها ارزشمند و قابل استفاده اند با این همه به نظر می‌رسد که مولف بدون در نظر گرفتن ارتباط مطالب به یکدیگر هرچه دل‌تنگش خواسته گفته است.

متن چهارم یعنی یادگار زیربان از مقدمه بسیار خوبی آغاز می‌شود و اگرچه همان بی‌نظمی‌های متون قبل را با خود دارد (مثلاً منابع و واژه‌نامه این بخش ناگهان در وسط مطالب (ص ۱۳۷) جای داده شده!!) اما در زمره بهترین بخش‌های این مجموعه است. زیرا افزون بر مقدمه ممتع آن، هم دارای متن پهلوی و هم حاوی واژه‌نامه است.

در متن پنجم، آمدن شاه بهرام ورجاوند معلوم نیست به چه دلیل دو نمونه از متن پهلوی (یکی در صفحه ۱۹۲ و دیگری در صفحه ۱۹۴) ارائه شده بدون اینکه ماخذ این دو متن مشخص باشد. و دیگر این که چرا مؤلف علاوه بر آوانویسی متن، حرف نویسی آن را نیز ارائه کرده است. کاری که برای دیگر متن‌های این کتاب صورت نگرفته است. از جمله ناهماهنگی‌های این بخش نیز آمدن منابع در آغاز است. همچنین پس از ارائه یادداشتها، دو مقاله در پایان این بخش در توضیح سبک و زبان متن و معرفی شاه بهرام همراه با زیرنویس‌های طولانی آمده است که اگرچه مفید اند اما به یکدستی مقاله‌ها لطمه وارد می‌کند.

آوانویسی متن پهلوی هم خالی از اشکال نیست. نمونه اغلاط در بخش مربوط به آوانویسی توضیح داده شده است. یکی دیگر از نشانه‌های عدم هماهنگی و یکدستی در ارائه مطالب اینکه در این دوازده متن گاه نخست ترجمه و سپس آوانویسی را ارائه می‌کنند (نظیر گزارش شطرنج و داستان یوشت فریان، یادگار زیربان، و گاه خلاف این روش عمل می‌کنند مانند متن ماه فروردین روز خرداد، آمدن شاه بهرام ورجاوند، سور سخن، خویشکاری ریدکان، فرخ‌نامه، چیم کشتی، چیم درون، و گاه آوانویسی متن را ارائه نمی‌کنند مانند متن آفرین پیامبر زرتشت).

ب. ارائه کامل منابع و کتابنامه: اگر چه مؤلف منابع ارزشمند و قابل اعتمادی را به کار گرفته اما در شیوه نقل ارجاعات از الگوهای استاندارد پیروی نکرده است. به نظر می‌رسد که مؤلف از هیچ شیوه رایجی در این باره بهره نبرده (بطوری که در همان آغاز مقدمه (زیرنویس ۲ صفحه ۴) در توضیح موری می‌نویسد "و این مساله ایست که حل آنرا دشوار می‌یابد (بدون آن که بیان شود موری کیست و چگونه حل این موضوع را دشوار یافته!) متأسفانه تمامی زیر نویس‌ها و ارجاعات ناقص و تقریباً غیر قابل مراجعه اند (برای مثال نک. زیر نویس‌های ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، همین مقدمه). نمونه‌های دیگر از ارائه منبع:

صفحه ۶ یادداشت ۴: داستان سیاوخش، چاپ خالقی مطلق، ب ۱۹۶۴ (۱۹). صفحه ۳۲ یادداشت ۱: نام زوتنبرگ در کتابنامه نیامده است.

ج. رعایت نکات دستوری: به نظر می رسد غیبی بواسطه اقامت طولانی در آلمان نگارش معمول فارسی را فراموش کرده است. نمونه ای از این قبیل عدم رعایت نکات دستوری عبارت است از:

صفحه ۵ مقدمه، زیر نویس ۳- "... تحریر مجددی از آن است به قلم سعدالدین وراوینی که شخص را از کتاب خواندن بیزار می سازد! و تحریر دیگر از محمدبن غازی الملطیوی با عنوان روضه العقول که نه بهتر از آن است". و البته منظور ایشان (بهتر از آن نیست) است.

صفحه ۵ سطر ۲۰ بازیدن به جای باختن.

صفحه ۹ یادداشت ۴: "... در این توضیح لغوی هاید نولدکه شک می کند" به جای: نولدکه در این توضیح لغوی هاید شک می کند.

صفحه ۱۰ سطر ۴: "در قدیم کعبتین را نه چون امروز با دست می ریختند بلکه از درون طاسی." که منظور نویسنده این است که: در قدیم کعبتین را با دست نمی ریختن بلکه از درون طاسی می ریختند.

صفحه ۹۵ زیرنویس ۴ مه و به را صفت تفضیلی معرفی کرده اند که درست نیست. بدین ترتیب این ویژگی عدم رعایت نکات دستوری تا پایان کتاب ادامه دارد.

د. گزارش ها و توضیحات مشکوک یا بدون ذکر ماخذ موثق: غیبی در صفحه ۶ کتاب به توضیح اصطلاحات شطرنج می پردازد. بهتر بود این توضیحات به بعد از متن اصلی و ترجمه آن موکول شود. برخی اظهارات در این بخش نادرست است و برخی به سبب نداشتن منبعی موثق مشکوک به نظر می رسد. نمونه ای چند بدین شرح است:

صفحه ۶: "šāh: شاه: همین "شاه" است! که در زبانهای فرنگی ... "چس" chess در انگلیسی !! .."

صفحه ۶: در توضیح mādayān آن را همان "مایه دار" می داند و می نویسد: که در آن مایه همان māyag در متون مانوی است؟! و تبدیل ر و ن در dār شاید طبق قاعده باشد!!

صفحه ۹ یادداشت ۵: "... سار شکل دیگری از سان باید باشد!

صفحه ۸ و ۹ نیوآردشیر: به نظر نمی‌رسد توضیحات مطول و غالباً ملال آور غیبی برای نام نیو آردشیر قابل اعتماد باشد. زیرا گذشتگان اختراع نرد را به آردشیرنسبت می‌دادند و بدین روی نیو آردشیر "آردشیر نیکو" برای این اسباب نام مناسبی است و نیازی به توجیهاست مبهم و بیمورد نظیر توضیح درباره "شیر آب" (ص ۹ یادداشت ۹)!! ندارد.

صفحه ۴۳ سطر ۱: عنوان داستان برای mādayān به نظر درست نیست. این واژه در اینجا به معنی "رساله، کتاب" است. برای "داستان" در متون پهلوی از afsān استفاده می‌شود (نک. فرهنگ کوچک زبان پهلوی، د. ن. مکنزی، ترجمه مهشید میرفخرایی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، سال ۱۳۷۳ ص ۱۳۰).

بطورکلی مولف در توضیح برخی واژه‌ها یا اصطلاحات گاه آنچنان به تفصیل و درازگویی پرداخته که توضیح ایشان خود به تنهایی به صورت مقاله‌ای درآمد و حواس خواننده را از متن اصلی خارج کرده است.

ه. رعایت یکدستی در ذکر اسامی: عدم رعایت هماهنگی و یکدستی در سراسر کتاب مشهود است. نام‌های خاص، بویژه نام ایران‌شناسان و مؤلفان آثار گاه به فارسی و گاه به لاتین نوشته شده‌اند.

برای نمونه:

صفحه ۷: یادداشت ۷: Widengren یادداشت ۸: ویدن گرن. صفحه ۲۳ یادداشت ۵: روزنبرگ. صفحه ۴۶ یادداشت ۱: استرابو؛ صفحه ۴۸ یادداشت ۸: اسپینگ لینگ؛ صفحه ۵۰ یادداشت ۳: جفری؛ یادداشت ۷: لازار؛ صفحه ۵۹ یادداشت ۵: نیبرگ به فارسی نوشته شده. بدین ترتیب این ویژگی عدم یکدستی در ذکر اسامی تا پایان کتاب ادامه دارد.

عدم یکدستی در آوانویسی متن پهلوی نیز مشاهده می‌شود. مثلاً شناسه پایانی اول شخص مفرد را گاه به صورت -ēd و گاهی به شکل -ad می‌آورد. برای نمونه:

(صفحه ۳۶ سطر ۱۲) ... guft kū kunam ud fristam ...

(صفحه ۱۷۳ سطر ۱۱) ... cē man diz-ēw rōyēn fē framāyēm kardan...

و. ذکر مطالب عامیانه یا بیهوده که به اطاله کلام منجر شده است. برای نمونه: صفحه ۷ یادداشت ۹: مؤلف توضیح می‌دهد که "لغت سوار در اصل به معنی "سه وار" است! اسب دو وار و کسی که رویش می‌نشیند یک وار رویهم می‌شود سه وار!!" باید توجه داشت که به کار بردن تعابیر عامیانه در متون علمی جایز نیست.

صفحه ۸ یادداشت ۷: مولف محترم در این یادداشت نسبتاً طولانی توضیح می دهد که مولر در سال ۱۸۹۷ نام نیو اردشیر را وین اردشیر خوانده و بعد ها این نظر را رها کرده است. اگر در تالیف اثری بخواهیم توضیحاتی مبنی بر اشتباهات گذشتگان نقل کنیم مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد بود. امری که کمکی به خواننده نمی کند. صفحه ۲۴ یادداشت ۷ توضیحات طولانی برای منش و گوش و کنش.

آوردن پاره ای یادداشتها، همانطور که پیشتر یاد شد، اگر چه برخی ارزشمند اند، اما به اطلاع کلام می انجامد. مثلاً در صفحه ۲۷ توضیح درباره "زه گفتن" و دهیوید و "گزارش های عامیانه" که ارائه آنها در متون علمی چندان مرسوم نیست. اگر قرار باشد برای هر لغتی صفحات بیشمار توضیح ارائه شود، مولف از هدف اصلی که همانا ترجمه و تصحیح متن پهلوی است دور می شود و صرفاً به حجم اثر افزوده می شود. بدیهی است که خواننده برای دریافت توضیحات لغوی معمول می تواند به فرهنگهای لغت مراجعه کند.

ز. مطالب گنگ و مبهم، واژه های نامعمول و یا اشکالات تایپی: در طول مقالات گاه مطالب گنگ و نامفهومی مطرح می شود که ممکن است در اثر جاب جایی جمله ها رخ داده باشد. گاهی جمله ای ناتمام رها می شود. حروف چینی و تایپ متون باستانی خود امر دشواری است. غالب پژوهشگران این کار را خود به عهده می گیرند. این اثر نیز از اغلاط تایپی و به قول معروف مطبعی خالی نیست. نمونه ای از اینها عبارتند از:

صفحه ۶: فرمانروایان؛ ص ۹: در آبزین؟؛ ص ۱۱: در ج فلک؟؛ ص ۱۳: ص ۱۵: آغاجی؛ ص ۱۸: مسکویه؛ زیرنویس شماره ۲ از صفحه ۹۰ نیز نامفهوم است.

صفحه ۱۰ زیرنویس ۸: "در بیتی که در ص ۱۸ از مولوی نقل کردیم..." معلوم نیست صفحه ۱۸ به کدام کتاب برمی گردد. نیز نک. به ادامه همین مطلب که تا حدی نامربوط است. صفحه ۳۰ سطر ۱۸: اهرمین به جای اهرمن؛

ح. اشکال در آوانویسی: اشکالات آوانویسی در سراسر متن دیده می شود. در زیر به پاره ای از آنها اشاره می شود:

صفحه ۱۴ و ۱۵: nēwardaxšīr با یای مجهول است. مؤلف گاه آنرا بدون یاء مجهول می نوسد و گاهی نیز با نقطه ای در میان دو بخش از کلمه: nēw.ardaxšīr (ص ۳۶ سطر ۱۴) و متأسفانه این دوگانگی در آوانویسی ها تا پایان کتاب ادامه دارد.

ص ۱۹، یادداشت ۱: ادبیات اروتیک فارسی. غیبی ظاهراً روش آوانویسی مکنزی را برگزیده اما در کار خود دچار سهو های متعدد شده که نمونه ای از آنها بدین قرار اند:

بند ۲: غیبی علت انتخاب نام tātritūs را برای فرستاده هند شرح نمی دهد.

بند ۳: frēstīd باید به frēstēd اصلاح شود.

بند ۴: šayist باید به šāyist اصلاح شود.

بند ۷: ani-z باید به anī-z اصلاح شود.

بند ۱۲: علت انتخاب و ترجیح arg بر دیگر قرائت‌ها توضیح داده نشده.

بند ۱۸: hast باید به ast اصلاح شود.

بند ۱۹: bud به būd و new به nēw اصلاح شود.

بند ۳۱: ēw احتمالاً تکرار شده است.

بند ۳۲: juwān به gušn و abrangīghātar به abrangīhātar اصلاح شود.

بند ۳۴: ham.čandān به ham.čand ī ān اصلاح شود.

صفحه ۹۰ فصل ۲ سطر اول fryān صحیح است.

صفحه ۹۰ فصل ۲ بند ۸: mard-ī yašt-ī باید به اینگونه آوانویسی شود: mard-ē ī yašt-ē

ط. عدم ارائه متن پهلوی: نکته دیگر اینکه غیبی در سراسر کتاب متن پهلوی را ارائه نمی کند و گاه تنها صفحه نخست متن را ارائه می کند. بیشتر این متون به آسانی قابل دسترسی نیستند. بنابراین خواننده متخصص نمی تواند درباره خوانش ایشان از متن اصلی قضاوتی به دست دهد.

ی. اشکال در ترجمه متن پهلوی: غیبی در ترجمه متن پهلوی به فارسی گاه روش ترجمه آزاد و گاهی روش ترجمه لغت به لغت را برگزیده. گاهی نیز عین لغت پهلوی را در ترجمه فارسی به کار برده است که فهم ترجمه ایشان را نسبتاً دشوار کرده است. بنابراین ترجمه ایشان علاوه بر اینکه یکدست نشده غالباً دشوار فهم است و نیاز به بازنگری دارد. چند نمونه را ببینید:

صفحه ۲۱ سطر ۴: سود خویش نگریدن را (= برای نگریدن به سود خویش)؛ شانزده تا از زمرد کرده (= شانزده تا ساخته از زمرد)؛

صفحه ۲۶ سطر ۸: "ابزار اوی دیگر" (= ابزار دیگری). صفحه ۲۳ سطر ۶: "بزرگمهر شما از خرد مادرزاد خویش ایدون خوار و سبک (آن را) بگذارد" (= ... شما بخاطر خرد مادرزاد خویش اینچنین آسان و راحت آن را بگذارید / توضیح دادید).

۳. نتیجه‌گیری

کتاب دوازده متن باستانی شامل دوازده متن فارسی میانه (پهلوی) همراه با آوانویسی، ترجمه و توضیحات آنها است. این کتاب بواسطه دقت نظر در ترجمه متون و احتوا بر یادداشت‌های ارزشمند مؤلف حائز اهمیت بسیار است. با این حال نظر به اصول و شیوه‌های علمی در کار تصحیح و ترجمه متون باستانی عاری از آسیب‌های قابل توجه نیست. نمونه‌ای از این کاستی‌ها را پیشتر اشاره کردم. بخش قابل توجهی از آن را مؤلف می‌تواند در چاپ‌های بعدی از این اثر ارزشمند بزدايد. نکته دیگر این که هر چند مؤلف محترم در تالیف اثر خود منابع ارزشمند و قابل اعتمادی را به کار گرفته اما در شیوه نقل ارجاعات از الگوهای استاندارد پیروی نکرده است. نمونه‌هایی از این بی‌توجهی را در بخش مربوط بازنمودم. سدیگر اینکه به نظر می‌رسد غیبی بواسطه اقامت طولانی در آلمان گاه نگارش معمول فارسی را فراموش کرده است. از این روی هم در ترجمه متون و هم در بخش توضیحات خود بسیاری اوقات دستخوش لغزش‌های دستوری شده که به نمونه‌های اندکی از آن اشاره کردم. افزون بر این، مؤلف در توضیح برخی واژه‌ها یا اصطلاحات گاه آنچنان به تفصیل پرداخته که توضیح ایشان خود به تنهایی به صورت مقاله‌ای درآمده و از حوصله متن خارج شده است. همچنین، در پاره‌ای یادداشتها ذکر مطالب عامیانه یا بیهوده که به اطاله کلام منجر شده است به این اثر آسیب رسانیده است. علی‌رغم ارزش‌های محتوایی اثر که حاصل تحقیق و تتبع سالهای بسیار مؤلف گرانقدر است، عدم رعایت هماهنگی و یکدستی در سراسر کتاب مشهود است. نام‌های خاص، بویژه نام ایران‌شناسان و مؤلفان آثار گاه به فارسی و گاه به لاتین نوشته شده‌اند. افزون بر این، در طول مقالات گاه مطالب گنگ و نامفهومی مطرح می‌شود که ممکن است در اثر جاب‌جایی جمله‌ها رخ داده باشد. گاهی جمله‌ای ناتمام رها می‌شود. حروف چینی و تایپ متون باستانی خود امر دشواری است. غالب پژوهشگران این کار را خود به عهده می‌گیرند. این اثر نیز از اغلاط تایپی و به قول معروف مطبعی خالی نیست. اشکالات آوانویسی کتاب نیز لا تعد و لا تحصی است. نکته دیگر اینکه غیبی در سراسر کتاب متن پهلوی را ارائه نمی‌کند و گاه تنها صفحه نخست متن را ارائه می‌کند. بیشتر این متون به آسانی قابل دسترسی نیستند. بنابراین خواننده متخصص نمی‌تواند درباره خوانش ایشان از متن اصلی قضاوتی به دست دهد. جای واژه‌نامه و نمایه‌های لازم و فهرست علائم اختصاری برای این مجموعه

ارزشمند در پایان اثر خالی است کاری که ناشر محترم می‌توانست با صرف وقت و حوصله کافی به متن بیافزاید و استفاده از این متن ارزشمند را آسانتر سازد.

کتاب‌نامه

بهار، محمدتقی (۱۳۴۷). ترجمه چند متن پهلوی؛ به کوشش محمد گلین، تهران: سپهر.
تفضلی، احمد (۱۳۷۸)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، چاپ سوم، تهران: سخن.
عریان، سعید (۱۳۸۲). متن‌های پهلوی، گردآورنده جاماسب جی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
غیبی، بیژن (۱۳۹۵). دوازده متن باستانی، چاپ نخست، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.

Brunner, C.J., (1979). "The Middle Persian Explanation of Chess and Invention of Backgammon," *The Journal of the Ancient Near Eastern Society of Columbia University* 10, pp. 43-51.

Hansen, O., (1935), *Zum mittelpersischen vičārišn ī čatrang*, (Den Teilnehmern der Sektion 4 am XIX. Internationalen Orientalistenkongress in Rom (23.-29) überrichtet vom Verlag], Glückstadt

Panaino, Antonio, (2017) "WIZĀRIŠN Ī ČATRANG UD NIHIŠN Ī NĒW-ARDAXŠĪR," *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2017, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/wizarisn-catrang-nihisn-ardaxir> .

Tarapore, J.C., (1932). *Vijārishn-i Chatrang or the Explanation of Chatrang and other Texts: Transliteration and Translations into English and Gujarati of the original Pahlavi Texts. With an Introduction*, Bombay.